



RasaZaban

CONTINUOUS PAST

IN ENGLISH

RASAZABAN.COM



CONTINUOUS PAST

Usage: An action what was happening before another done action.

کاربرد: عملی که در گذشته در حال انجام بوده است، قبل از انجام یک عمل انجام شده‌ی دیگر.

To Be V.: Was being, Were being

Helping v.: Was, Were

Note: This tense is not perfect, so it comes with a simple past sentence and link with a conjunction. (in signs)

نکته: این زمان کامل نیست، پس با یک جمله‌ی گذشته ساده می‌آید و جمله‌ها با حرف ربط به هم لینک می‌شوند که در نشانه‌ها هستند.

Sign: When, As, While (so, but)

Structure:

S. + Helping V. + Progressive V. + O. ... + Sign + Simple past.

ساختار:

فاعل + فعل کمکی (was/were) + فعل ing دار + مفعول ... + نشانه + گذشته ساده



CONTINUOUS PAST

Example:

مثال برای زمان گذشته استمراری:

+ I was studying English when my father came.

داشتم انگلیسی می خواندم که پدرم آمد.

- I wasn't studying English when my father came.

در حال خواندن انگلیسی نبودم که پدرم آمد.

? Was I studying English when my father came?

آیا داشتم انگلیسی می خواندم که پدرم آمد؟

? - Wasn't I studying English when my father came?

آیا در حال خواندن انگلیسی نبودم که پدرم آمد؟



CONTINUOUS PAST

مثال بیشتر برای گذشته استمراری

Positive

Subject + was/ were + Verb-ING

She was cooking when I came.

داشت آشپزی می کرد که من او مدم.

Negative

Subject + was/ were + not + Verb-ING

She wasn't cooking when I came.

داشت آشپزی نمی کرد که من او مدم.

Question

Was/ were + Subject + Verb-ING?

Was she cooking when you came?

آیا داشت آشپزی می کرد وقتی که تو او مدی؟



CONTINUOUS PAST

Usages

موارد استفاده زمان گذشته استمراری

To talk about an incomplete action at a specific in the past

صحبت کردن در مورد یک عمل ناقص در مورد خاصی در گذشته

Max was playing games yesterday afternoon.

مکس دیروز بعدازظهر مشغول بازی بود.

To talk about an incomplete action that was interrupted by another

صحبت کردن در مورد یک عمل ناقص که توسط دیگری قطع شده است

I was doing my homework when my mom called.

مشغول انجام تکالیف بودم که مامانم زنگ زد.

To talk about two actions that were happening at the same time

صحبت در مورد دو عملی که همزمان اتفاق می افتاد

My mom was cooking while my dad was reading newspaper.

مامانم مشغول آشپزی بود در حالی که بابام داشت روزنامه می خواند.

To talk about an action that happens many times and irritates the speaker

صحبت در مورد عملی که بارها اتفاق می افتد و گوینده را آزار می دهد

She was always talking in class.

او همیشه در کلاس صحبت می کرد.



CONTINUOUS PAST

تمرین:

او دیروز داشت ویدئو تماشا میکرد.

داشتم دوش میگرفتم وقتی که زنگ زد.

